

# چند شهر گمشده ساسانی - اسلامی در کرمان

دکتر خسرو خسروی

## سرآغاز

در دوره اسلامی یکی از شاهراههایی که از بغداد به فارس و کرمان و سپس به شهرهای خراسان بزرگ و سرانجام به شهرهای ماوراءالنهر منتهی می‌شد، از منطقه بردسیر (مشیز کنونی) می‌گذشت. سالهای متمادی کاروانهای بازرگانی و سواران جهانگشایان در این جاده رفت و آمد داشتند. در دوره ساسانیان و احتمالاً پیش از آن در دوره‌های اشکانی و هخامنشی و حتی عیلامی نیز این جاده دایر بوده است.

رفت و آمد در این جاده، نخست به چشمه‌های فراوان و مرغزارهای پهناور آن منطقه بستگی داشت که برای سواران و بویژه اسبها و دیگر حیوانات بارکش کاروانهای تجاری از اهمیت اساسی برخوردار بود و سپس به کوتاهی راه سیرجان تا بم (مدخل خراسان جنوبی) ارتباط می‌یافت.

آثار کشف شده از دوره عیلامی در نزدیک دهکده علی آباد، در تل ابلیس، در کنار مسیر قدیمی رود لاله زار (کارزار)، در جنوب شهر مشیز و پیرامون بافت در تپه یحیی و در شمال کرمان در خبیص (شهداد) نشانگر این است که در دوره‌های پیش از تاریخ هم منطقه

مسیر این راه مسکون بوده و راههایی که از آن می‌گذشت دارای اهمیت بسیار بود. در دوره‌های تاریخی در شرق بردسیر (مشیز کنونی) در رشته کوه‌های بارز مردمی دلاور زندگی میکردند که نام آنان تا کنون باقیمانده و منطقه جبال بارز و کوه بارز از آن قوم نام گرفته است. بارزها با لشکریان شاهان ساسانی بویژه با سواران اردشیر بابکان پس از پیروزی بم (کجاران) و با خسرو انوشیروان دست و پنجه نرم کرده‌اند. و احتمالاً سواران اسکندر به لحاظ اینکه با بارزها برخورد نکنند ناگزیر مسیر خود را تغییر داده و با دشواریهای فراوانی از جنوب منطقه از طریق بافت به فارس برگشته‌اند. در قرن هشتم هجری مارکوپولو در سفر خود از چشمه‌سارهای این ناحیه سخن گفته است.

در دوره تمدن اسلامی بیشتر جغرافیایان و مسلمانان از دو شهر بهار (؟) و خناب در این منطقه نامبرده‌اند که در مسیر جاده سیرجان بم قرار داشته است. این قدومه آبادی امسیر را به جای بهار ضبط کرده است. ابن خرداد به جای بهار، رستاق را که بنا به نوشته وی تا مدینه خناب ۴ فرسخ فاصله داشته نام برده است. ظاهراً نام رستاق که (به مفهوم منطقه کوچک با چندین آبادی است) و متداول شدن نام قنات نگار در دوره‌های بعدی نشانگر این است که نگار (بهار، نهار) نام منطقه کوچکی بوده و شانه نیلی به نام نهار در آنجا بوده است.

### الف - خناب (خوناب) - نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در سال ۲۵۰ هجری، ابن خرداد به نخستین بار نام شهر خناب را در مسیر سیرجان - بم ضبط کرده است که مسافت آن تا محل بعدی به نام غبیر نیز ۵ فرسخ بوده است. امروز هم دهکده غبیرا حدود ۵ فرسخ با نگار فاصله دارد و ظاهراً نام ساسانی آن سنجد بوده است. مقدسی نام خناب را خوناب نوشته که نام اصلی آن است و از دو جزء خون (یا خان) اوستایی به نام سرچشمه + آب تشکیل یافته و احتمالاً خناب معرب خوناب شهر ساسانی است. امروز در ایران در ابتدا و انتهای نام برخی از محل‌ها و اماکن واژه خون مانند گاو خونی بید خون، خونیه و غیره دیده میشود.

بنابر نوشته مقدسی خوناوب شهری میانه بود و مسجد جامع آن در بازار قرار داشت و دارای کشتزارها و درختان سنجد بود. اراضی آن با دولا ب آبیاری می شد و آسیا را با شتر می گرداندند. در سال ۴۴۰ هجری (یا ۴۴۴) در همین شهر بود که به کالیجار هنگام آمدن به کرمان زهر خوراندند و به هلاکت رسید و پس از آن کرمان بدست ملک قاو ر سلجوقی افتاد. در سال ۵۵۸ در حمله غزان به کرمان شهر خناب ویران گردید و از آن پس نام آن در کتابها دیده نمی شود. شهر کنونی نگار که در حدود ۲۲ کیلومتری مشرق شهر مشیز قرار دارد در محل شهر خوناوب پا گرفته است. نگار دارای مسجدی از دوره سلجوقی که همان مسجد خناب است می باشد که منار آن سالم مانده و کتیبه ای به خط کوفی در آن دیده میشود. ظاهراً نخستین بار نام شهر نگار از قرن نهم هجری در مقامات عرفانی یم آمده است. از آبادی گمشده دیگر از بهار یا درست تر نهار می توان نام برد که اسم آن به جا مانده اما موقعیت جغرافیایی آن مشخص نیست.

## ب - بهار

بیشتر جغرافیانویسان در مسیر جاده سیرجان - بم قبل از خناب از منزلی (محلی) به نام بهار که فاصله آن تا خناب یک مرحله (۴ تا ۶ فرسنگ) بوده اند. در سال ۳۷۲ هجری صاحب حدود العالم در نسخه خطی نام این محل را ناز ضبط کرده است. مینورسکی آن را قار (!) و منوچهر ستوده بهار (!) خوانده اند. در برخی از نسخه های خطی از جمله صورت الارض ابن حوقل و مسالک الممالک اصطخری بهار را نهار نوشته اند. در نقشه اشکال العالم جیهانی نیز نهار ضبط شده است. به نظر می رسد که بهار نادر است و نهار صحیح باشد. بعدها نهار تبدیل به گفار شده زیرا تبدیل «ه» به «گ» در زبان فارسی رایج است. علاوه بر شهرهای قدیمی خناب و بهار شهر دیگری در کرمان به نام امسیر سراغ داریم.

### ج- امسیر

در سال ۲۶۶ هجری طبق مطالب این قدامه، ۶ فرسنگ مانده به خناب امسیر قرار داشت در همین مکان مقدسی از زمین نام می برد که باید تحریف امسیر باشد. ظاهراً امسیر به تدریج به امشیز و سپس به مشیز تبدیل شده است. در این صورت میتوان تاریخ شهر کنونی مشیز را به حدود ۱۲۰۰ سال پیش رسانید. امروز در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی مشیز دهکده کوچکی به نام قنات سیر قرار گرفته که یادآور نام قدیمی امسیر است.

### د- باهر

در حسن التقالیم خطای دیگری از سوی نسخه برداران صورت گرفته که استاد خویه هم به لحاظ عدم آشنایی به منطقه متوجه آن نگردیده و آن اینکه «بهار» با «باهر» خلط شده است زیرا در احسن التقاسیم آمده است که بهار دارای نخلستان است در حالیکه بهار (نهار) منطقه سردسیری است و نخل در آن نمی روید و «باهر» دارای نخلستان است. بنابراین نوشته مقدسی بهار در سمت بم (!) قرار داشته است. که ظاهراً همان باهر است که به سهو بهار ضبط شده است. امروز ویرانه های این شهر (باهر) در کنار دهکده عزیزآباد در ۱۴ کیلومتری غرب فهرج (نرماشیر) دیده می شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی